ما و مسأله حجاب و حرمت امامزاده‌ای که با متولی است

سیده آزاده امامی
خبرنگار

مدت زیادی بود که آنچه در ادامه بیان خواهم داشت در ذهنم جولان می‌داد و حتی بخش زیادی از آن هم بر صفحه آمده بود، لیکن به دلایلی از تکمیل و ارسال آن برای انتشار تردید داشتم. اما دلایل دیگری ناظر به اوضاع و احوال هفته‌های اخیر اینجانب را به تکمیل و ارسال مطلب متقاعد کرد.

سال گذشته مقارن همین ایام بود که عملکرد گشت ارشاد در مواردی حاشیه‌ساز شد و بحث‌ها و نقدهای فراوانی را در رسانه‌ها و فضای مجازی برانگیخت. یک طرف مدافعان این طرح بودند که با استدلال‌هایی تکراری بر راه همواره طی‌شده تاکید داشته و خواهان تداوم فعالیت گشت ارشاد با قوت و قدرت بودند. جماعتی که انگار جز دو گزینه امتحان‌پس‌داده «فیلترینگ فضای مجازی» و «برخورد با بدحجابی در قالب گشت ارشاد» چیز دیگری در چنته ندارند و هرگاه ریل مدیریتی کشور عوض می‌شود و قدرت به نیروهای ارزشی و انقلابی می‌رسد، با تاکید ناموجه و حتی غوغاسالارانه بر اجرایی شدن دو گزینه فوق اصرار می‌ورزند و درنهایت نیز با ابزارهای پیدا و پنهان خویش این مطالبه را به دولت تازه از راه رسیده تحمیل می‌کنند. چنانکه به کرّات تجربه شده تبعات این امر نیز همواره دامنگیر جامعه و نظام شده است، تا آنجا که بخش زیادی از انرژی و امکاناتی که می‌بایست صرف اصلاح امور در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، روابط بین‌الملل و... شود برای رفع‌ورجوع پیامدهای اجرای این طرح‌ها هزینه می‌شود.

طرف دیگر ماجرا مخالفان گشت ارشاد بودند. لیکن با دو انگیزه و استدلال کاملا متفاوت؛ یک سو جریان سکولار که به نوعی بانیان شرایط فرهنگی موجودند و ناهنجاری‌های امروز جامعه ثمره نهال تسامح و تساهلی است که این جریان آن را پرورش داده است. این جریان با استدلال‌هایی در راستای تقویت و تثبیت سیاست‌های فرهنگی اباحی گرانه‌شان، مخالف حضور گشت ارشاد در خیابان‌ها بودند. در سوی دیگر اما طیف دغدغه‌مندی نیز قرار داشت که گرچه مخالف با فعالیت گشت ارشاد بود، اما انگیزه و استدلال به‌غایت متفاوت‌شان آنها را در صفی کاملا جدا از جریان سکولار غرب‌گرا جای می‌داد. نخبگان جریان انقلاب تاکید داشتند ضمن اصرار بر حفظ اصول، بایستی به شرایط روز جامعه هم توجه داشت و فارغ از نظریه‌پردازی‌های انتزاعی، زیست انضمامی ملت را نیز در سیاستگذاری‌ها لحاظ کرد. حرف ایشان این بود و هست که «آرمان‌گرایی» با «واقع‌بینی» تعارضی ندارد، ضمن اینکه «واقع‌بینی» نیز همان «واقع‌گرایی» نیست.

برای درست کردن ابرو چشم را نباید کور کرد

«التفات داشتن» به «واقعیت‌ها»ی ملموس جامعه، به معنای «تایید» و «تصدیق» آنها نیست. اینکه «ببینید» و «بدانید» بخشی از جامعه طی این سال‌ها به هر دلیل سبک متفاوتی از زندگی را برگزیده که چندان با هنجارهای مطلوب همراهی ندارد، معنایش «تایید» و «پذیرش» سبک زندگی آنها نیست، بلکه به معنای لحاظ این نکته در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی است. اینکه «ببینید» و «بدانید» کاربست سیاست‌های سلبی و طرح‌های تنبیهی طی سال‌های گذشته نه‌تنها هیچ کمکی به بهبود شرایط فرهنگی و به‌طور خاص مقوله حجاب نکرده، بلکه همواره نتیجه معکوس داشته و به همین دلیل تکرار این سیاست‌ها هیچ توجیه منطقی و عقلانی ندارد، منافاتی با این ندارد که عمیقا نسبت به مراعات این فریضه الهی دغدغه‌مند باشید و از عدم رعایت آن آزرده‌خاطر.

اینکه «ببینید» و «بدانید» در شرایطی که دولت تازه کار همزمان با چالش‌های متعدد داخلی و خارجی دست‌وپنجه نرم می‌کند، دوقطبی‌سازی فرهنگی و گشودن یک جبهه جدید مقابل دولت هیچ کمکی به اصلاح وضع موجود در هیچ حوزه‌ای نمی‌کند و فقط بخش اعظمی از توان و امکاناتی را که باید در دو جبهه نخست به کار گرفته شود مصروف تقابل دولت و بخش قابل توجهی از ملت می‌کند، به‌معنای تاییدنا هنجاری‌های موجود در جامعه و مماشات با هنجارشکنان نیست. اینکه «ببینید» و «بدانید» در شرایطی که آستانه تحمل ملت در مصاف با طرح صیانت و عدم تحقق وعده‌های اقتصادی دولت و فشار تورم ناشی از حذف ارز ترجیحی به‌شدت پایین آمده و قابلیت پذیرش هیچ فشار اجتماعی دیگری را ندارد و هر تکانه‌ای در این شرایط پتانسیل برانگیختن خشم و نارضایتی عمومی را به همراه خواهد داشت- چنانکه متاسفانه چنین شد- معادل عقب نشستن در برابر آنچه در جامعه می‌گذرد نیست، بلکه به‌معنای چشم‌داشتن به حفظ مصالح بزرگ‌تری است که فعال شدن گسل‌های اجتماعی تهدید آنها را به دنبال داشت! این هشدارها و مواردی از این دست بارها و بارها در آن ایام به انحای مختلف تذکر داده شد، لیکن با کمال تأسف در هیاهوی بلندآوازه گروه نخست در اصرار به ادامه فعالیت گشت ارشاد با وجود همه انتقاداتی که به عملکرد آن وارد بود، راه به جایی نبرد و مهجور ماند و نتیجه آن شد که دیدیم و شد آنچه نباید می‌شد!

در این میان اما آنچه به ناروا به نخبگان دلسوز نسبت داده شد ناشی از درک ناصحیحی بود که گروه نخست خود بدان مبتلا بود و آن خلط میان «واقع‌بینی» و «واقع‌گرایی» است. این جماعت تذکر و هشدار نخبگان نسبت به درک واقعیت‌های مذکور را به «تایید» و «تسلیم» آنها در برابر شرایط موجود تعبیر کرد و ایشان را به عقب‌نشینی از آرمان‌های انقلاب متهم ساخت. حال آنکه نخبگان جبهه انقلاب نیز ضمن تعهد و التزام به اصول و ارزش‌های انقلاب، تداوم طرح‌های تنبیهی که در تمام این سال‌ها تجربه شده را منتهی به نتیجه‌ای مطلوب ندانسته و اصرار بر آن را عامل عمیق‌تر شدن گسست‌ها و گسل‌های اجتماعی می‌داند. گروه نخست اما هیچ تضمینی برای بهبود اوضاع درصورت تداوم سیاست‌های سختگیرانه نمی‌دهد و فارغ از نتیجه، تنها بر انجام وظیفه تاکید دارد! غافل از آنکه گاه مهم‌ترین «وظیفه» ما در نظر داشتن «نتیجه» است. چشم بستن بر واقعیت‌ها و اصرار متعصبانه بر راهکارهای بی‌نتیجه تکراری نشان «آرمان‌گرایی» نیست، و تنها نتیجه خلط میان «واقع‌بینی» و «واقع‌گرایی» ایجاد شکاف در جبهه دلدادگان به ارزش‌های انقلاب است.

بازگشت به نقطه صفر

این روزها و متعاقب بازگشت مجدد گشت ارشاد و نیز بحث پیرامون لایحه عفاف و حجاب، فضای سال گذشته در حال تکرار است و موضوع گشت ارشاد و چندوچون مقابله با بدحجابی به صدر بحث‌ها در سطح نخبگانی و رسانه‌ای و مجازی آمده است. شگفت آنکه استدلال برخی به گونه‌ای است کأنه انگار نه انگار چه تجربه سهمگینی را از سر گذرانده‌ایم! دوباره هشدارهای واقع‌بینانه نادیده گرفته می‌شود و نخبگان جریان انقلاب به جرم توجه و تذکر به واقعیت جامعه و نگرانی از تکرار وقایع گذشته با انگ «مذهبی‌های صورتی» مورد هجمه واقع شده و به مماشات با هنجارشکنان متهم می‌شوند. گرچه بی‌تردید اغتشاشات سال گذشته محصول یک برنامه جامع و از پیش طراحی شده مجموعه‌ای از دشمنان تابلودار نظام بود، لیکن عقلانیت اقتضا می‌کند بر سهم برخی رفتارهای نسنجیده نیز در رقم خوردن آن حوادث چشم نپوشیم و یادمان باشد رفتارهای تکراری نتایج تکراری نیز در پی خواهد داشت.

وقایعی که در هفته‌های اخیر حول محور حجاب شکل گرفته حکایت از آن دارد که متاسفانه انگار بنا نیست حل مساله حجاب به فضایی منطقی و به دور از تنش سپرده شود. صرف‌نظر از این امر که اهتمام هرروزه برخی افراد به موضوع حجاب و فراوانی پرداختن به آن از جانب افراد و در تریبون‌هایی خاص به گونه‌ای است که برخلاف تاکید رهبر معظم انقلاب کأنه نه «اقتصاد»، که «حجاب» «مساله اول» کشور است، نحوه پرداختن به این موضوع از برخی اظهارنظرات و احکام شاذ گرفته، تا محدودیت‌های اعمال‌شده به شیوه‌ای است که اتفاقا کارکردی درست در جهت عکس میل و مقصود عاملان و فاعلان این گفتارها و رفتارها پیدا کرده و به جای آنکه سبب ارتقا و اعتلای حجاب در سطح جامعه شود، متاسفانه به بی‌حرمتی و استخفاف حجاب انجامیده است!

تجربه‌هایی مشابه

دو نمونه از تجربه‌های زیسته نگارنده تصویر روشن‌تری از این ادعا به‌دست می‌دهد که چرا روش‌های فعلی در مواجهه با افراد دارای پوشش نامناسب تکرار سیاست‌های شکست‌خورده پیشین است.

۱) مدرسه ما تنها مدرسه‌ای در کل استان بود که پوشیدن چادر در آن اجبار بود. درواقع ورود به مدرسه با چادر اجبار بود و در داخل دبیرستان با اینکه دبیرهای مرد متعددی داشتیم، الزامی به پوشیدن چادر سر کلاس وجود نداشت. بچه‌هایی که چادری نبودند چادر را داخل کیف‌شان می‌گذاشتند سر کوچه مدرسه که می‌رسیدند چادر می‌پوشیدند و «با چادر از در مدرسه رد می‌شدند»، بعد هم چادر را برمی‌داشتند و داخل کیف‌شان می‌گذاشتند تا ساعت آخر و زمان خروج از مدرسه که داستان تکرار می‌شد؛ داخل حیاط مدرسه چادر می‌پوشیدند و «با چادر از در مدرسه رد می‌شدند» و چند قدم که از مدرسه دور می‌شدند دوباره چادر را برمی‌داشتند و به منزل می‌رفتند!

۲) چند سال بعد و در زمان ریاست سیدصدرالدین شریعتی بر دانشگاه علامه طباطبایی که سیاست‌هایش در اعمال تفکیک جنسیتی در کلاس‌ها در مقطع کارشناسی و نیز نصب دوربین در دانشکده‌ها و قوانین خاصش درمورد حجاب حسابی خبرساز شده بود، دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد این دانشگاه شدم و چون هنوز ساکن تهران نبودم در خوابگاه اقامت داشتم. قوانین خاص جناب شریعتی درمورد حجاب منحصر به فضای دانشگاه و دانشکده‌ها نبود و خوابگاه‌ها را نیز شامل می‌شد؛ آن روزها قانون خوابگاه‌های علامه این بود که بچه‌ها حق نداشتند بدون «مقنعه» از خوابگاه خارج شوند، عنایت بفرمایید بدون «مقنعه»! یعنی در ساعات غیرحضور در دانشگاه نیز مجبور بودند با فرم دانشجویی رفت‌وآمد کنند و رئیس دانشگاه برای نحوه پوشش دانشجویان در غیر از فضای دانشگاه هم تعیین تکلیف می‌کرد!

عینا همان ماجرای دبیرستان ما در سال‌های پایانی دهه ۸۰ در خوابگاه‌های دخترانه دانشگاه علامه تکرار می‌شد و بچه‌ها اغلب یک شال یا روسری (عمدتا رنگی) داخل کیف‌هایشان داشتند، از در خوابگاه که بیرون می‌آمدند مقنعه را با آن عوض می‌کردند و موقع بازگشت دوباره سر کوچه خوابگاه مقنعه می‌پوشیدند و وارد خوابگاه می‌شدند. یک روز که به‌همراه دوستم به خوابگاه باز می‌گشتیم و به‌عینه شاهد این صحنه بودیم، به او گفتم آنقدر کار هر دوطرف اشتباه است که «کار درست» این وسط گم شده. خوابگاه، محیط دانشگاه یا دانشکده نیست که برای نوع پوشش دانشجوها در ورود و خروج از آن هم تعیین تکلیف شود، آن چیزی که رعایتش لازم است داشتن «حجاب» است، اما نوع و چند و چون آن نباید موضوعیتی داشته باشد و کسی برای آن قانون تعیین کند. اما وقتی در حوزه خصوصی افراد تا این حد دخالت می‌شود و قوانینی وضع می‌شود که عقلانی نیست، آن قانون این گونه دور زده و درواقع به‌سخره گرفته می‌شود. مضافا بر آن باید اعتراف کرد این نحو وادار کردن خانم‌ها به رعایت حجاب کمکی که به فراگیری حجاب نمی‌کند هیچ، سبب بی‌حرمتی به حجاب نیز می‌شود.

آنچه در هفته‌های گذشته تحت‌عنوان «ممنوعیت ارائه خدمات اجتماعی به افراد بی‌حجاب» انجام شده، رویه‌ای بسیار شبیه دو تجربه مذکور است که در بهترین حالت نتیجه‌ای شبیه آنها نیز درپی خواهد داشت، یعنی حداکثر کارایی این طرح‌ها آن است که فرد بی‌حجاب برای دریافت خدمات اجتماعی و انجام کارهای اداری روزمره حجاب بگذارد و بعد آن را بردارد و بدون حجاب در انظار عمومی و در خیابان ظاهر شود.

حجاب شرعی یا...؟!

بعید است کسی باور داشته باشد این قبیل محدودیت‌ها حجاب را به افرادی که در چند ماه گذشته کشف حجاب کرده‌اند، بازگرداند. با این حساب سوال این است که این نحو وادار کردن افراد به رعایت حجابی که بدون تعارف نهایتا و صرفا برای وارد شدن به فلان اداره و بهمان سازمان باشد و پس از آن دوباره از سر برداشته شود، آیا حقیقتا به اعتلا و حفظ شأن حجاب می‌انجامد، یا به عکس سبب استخفاف و خدشه به شأن این واجب الهی و ارزش مقدس می‌شود؟

یا مثلا اینکه در بدو ورود به برخی مراکز خرید و مجموعه‌های فرهنگی و تفریحی با تابلوها و بنرهایی مواجه می‌شویم که عاجزانه از مشتریان تقاضا می‌کنند برای ممانعت از تعطیلی مرکز و تخته شدن کسب‌وکار صاحبان آن حجاب و شئونات اسلامی را رعایت کنند، و این مطلب هر چند دقیقه یک‌بار از بلندگوی اعلانات آن مرکز اعلام می‌شود.

اینجانب در اولین مواجهه با این پدیده کلامی جز اظهار تأسف برای بیان نداشتم، و به‌عنوان فردی که آگاهانه و با اختیار حجاب را انتخاب کرده‌ام هم دلم برای خودم سوخت، هم حجاب و هم خدا! این سخیف‌ترین شیوه دعوت به حجاب بود که تا آن زمان دیده بودم؛ دعوتی که مبنای آن نه انگیزه و اشتیاق برای انجام فرمان الهی و حفظ گوهر وجود یک زن، بلکه ترس و عجز و التماس فرد ثالثی از تعطیلی کسب‌وکارش است.

اجازه بدهید بدون تعارف بگویم پلمب هر مرکز و مغازه و مجموعه‌ای به‌دلیل عدم رعایت حجاب مشتریان آن مراکز، گذشته از آنکه مصداق بارز «گردن زدن مسگر شوشتر» به جرم «گناه آهنگر بلخ» است و از این‌رو هیچ محلی از اعراب در آموزه‌ها و تعالیم اسلامی ندارد، علی‌رغم میل بانیان، تاکید بر این طرح‌ها حکایت از آن دارد که کفگیر این جماعت در انجام اقدامات ایجابی ناظر به حجاب به ته دیگ خورده و دست‌شان از دلایل ایجابی تهی است که در تبلیغ فراخوان رعایت حجاب این گونه به اقدامات سلبی روی آورده‌اند. این قبیل اقدامات خواه‌ناخواه حاکی از به بن‌بست رسیدن سیاست‌های ایجابی نهادهای فرهنگی است و لوازم و اقتضائاتی درپی دارد که بعید است کسی حاضر به پذیرفتن آنها باشد!

این تازه صرف‌نظر از آن است که این قبیل برخوردهای تنبیهی (عدم ارائه خدمات اجتماعی به افراد مکشفه، و تخته کردن کسب‌وکار مردم در این اوضاع نابسامان اقتصادی) سبب انباشت مجدد خشم اجتماعی شود و جامعه را دوباره به‌سمت شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر سوق دهد. اگر هم در این میان خدای ناکرده به سبب قصور یا تقصیر برخی عوامل اجرایی اتفاق ناخوشایندی رقم بخورد که دیگر واویلاست!

لذا رعایت حرمت حجاب پیش و بیش از بانوان، متوجه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران این عرصه است که مباد با وضع قوانین این‌چنینی موجبات خدشه به جایگاه این امر مقدس را فراهم آورند. قانون بی‌بهره از بنیان‌های مستحکم عقلانی پیش از آنکه از جانب هنجارشکنان دور زده و حتی به‌سخره گرفته شود، خود با نقصان و ناپختگی موجبات نقض خویش را فراهم می‌آورد و از این‌رو امری خودشکن و خودویرانگر به حساب آمده و اعتبار قانون‌گذاری را مخدوش می‌کند.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی آزاده بازیانی فرزند علمدار به شناسنامه ۶۰ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی آموزش‌وپرورش ابتدایی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۸۹۶۹۷۱ مورخ ۸۹/۱۲/۲۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نمایید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی علیرضا بلک فرزند عبدالصمد به شناسنامه ۹۳۲۰ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مکانیک حرارت و سیالات صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۱۵۲۴۶ مورخ ۹۱/۱۱/۰۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نمایید.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی سیده امینه فاضلی فرزند سهراب به شناسنامه ۱۶۶۱ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی معارف اسلامی دینی عربی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۲۵۰۰۷ مورخ ۹۲/۱۰/۱۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کد پستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نمایید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب رویا پیلتن ترازوج فرزند تسلّی، به شماره شناسنامه ۱۸۳۹ صادره از تهران، مقطع کارشناسی رشته روانشناسی بالینی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۸۳۱۱۵۵۳۸۷۹۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج - انتهای رجایی شهر - تقاطع بلوار موذن و استقلال - صندوق پستی ۳۱۴۸۵-۳۱۳ ارسال نماید.

کارت شناسایی موتورسیکلت بوکسر BM۱۵۰ مدل ۱۳۹۵ رنگ مشکی به شماره انتظامی ۵۶۶۴۹ ایران ۱۳۱ به شماره شاسی: NSP***۱۵۰R۹۵۲۷۰۳۳ و شماره موتور PFMBFE۲۱۷۱۸ و شناسه وسیله نقلیه (VIN): IRAMD۹۵۱۳۵۹۵۲۷۰۳۳ به مالکیت آقای علی‌اکبر ثابتی به کدملی ۰۰۵۶۰۷۲۹۲۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

برگ سبز خودرو پراید مدل ۹۸ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور M ۱۳/۶۳۲۳۳۵۱ و به شماره شاسی NAS ۴۲۱۱۰۰ K ۱۲۵۵۷۵۵ و به شماره پلاک ۳۴ - ۴۳۳ ی ۱۵ به‌نام میلاد غلامی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فاکتور فروش خودرو پژو سواری مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید - روغنی به شماره موتور ۰۲۹۰۸۶۴ B ۱۶۴ و به شماره شاسی NAAN ۱۱ FE ۲ MH ۶۷۷۸۴۰ و به شماره پلاک ۲۴ - ۱۵۸ ط ۲۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز، سند کمپانی، کارت هوشمند و کارت خودرو کامیون کشنده ایویکو مدل ۸۴ به رنگ سفید - روغنی به شماره موتور ۶۰۴۱۵۴ و به شماره شاسی NAZD ۴۴ P ۳۰ HE ۰۰۴۵۱۵ و به شماره پلاک ۱۴ - ۷۴۸ ع ۲۱ به نام ابراهیم مدملی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت اول

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه کرمان

آگهی مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه)
کد فرخوان ۲۰۰۲۰۹۱۹۹۰۰۰۰۰۰۴ سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)

مناقصه‌گذار : شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران - منطقه کرمان

شرکت ملی پخش فرآورده‌های ایران/ منطقه کرمان درنظر دارد پیمان مشروح ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز تماس : ۱۴۵۶ / دفتر ثبت‌نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ می‌باشد . لذا از متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه با درنظر داشتن مدارک مندرج در ذیل، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه نمایند.

موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین فرایند ارجاع کار (ریال)	مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد	تاریخ بارگذاری پاکات در سامانه ستاد(مهلت ارسال پیشنهاد)	زمان جلسه توجیهی	تاریخ بازگشایی اولیه پاکات ارزیابی کیفی	زمان بازگشایی پاکات الف و ب و ج
مناقصه واگذاری حجمی /زمانی پیمان سوختگیری هواپیمایی کرمان و نواحی تابعه	۱۵۲,۸۰۱,۲۲۹,۱۵۸	۷,۶۴۰,۰۶۱,۴۵۸	از تاریخ چاپ آگهی ۱۴۰۲/۵/۱۷ تا تاریخ ۱۴۰۲/۵/۲۱	۱۴۰۲/۵/۳۱	۱۴۰۲/۵/۲۲ سالن جلسات منطقه ساعت ۱۱	۱۴۰۲/۶/۱ ساعت ۸	۱۴۰۲/۶/۱۳ ساعت ۱۱:۳۰

نوع تضمین	ضمانت‌نامه معتبر بانکی یا واریز نقدی مبلغ ضمانت شرکت در مناقصه به شماره حساب ۹۲۰۰۰۵۵۲۱۲ بانک ملت و شناسه ۵۵۲۸۱ شرکت ملی پخش فرآورده‌ای نفتی منطقه کرمان
محل گشایش پیشنهادها	کرمان چهارراه خواجو جنب زمین ورزشی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه کرمان تلفن ۳۲۵۳۱۱۹۱-۰۳۴
شرایط عمومی و مدارک موردنیاز برای شرکت در مناقصه	دارا بودن و ارائه گواهی تایید صلاحیت معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه امور اجتماعی (شرکت‌هایی حق حضور در مناقصه را دارند که دارای رتبه‌بندی طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگری مورد تایید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در موضوع مناقصه و پیمان (حسب مورد) باشند)/دارا بودن و ارائه گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه امور اجتماعی/ارائه تصویر کارت ملی و شناسنامه مدیرعامل و اعضای هیات‌مدیره شرکت، تصویر کلیه صفحات اساسنامه شرکت، تصویر آگهی تاسیس شرکت، گواهی آخرین تغییرات در روزنامه رسمی، سوابق شغلی و تحصیلی مدیرعامل و اعضای هیات‌مدیره، گواهی صاحبان امضای مجاز شرکت و مشخصات هویتی شرکت (گواهی کد اقتصادی و شناسه ملی)، ارائه اسناد مبنی بر ارتباط موضوع مناقصه با اساسنامه شرکت، ارائه گواهینامه معتبر ثبت‌نام در نظام مالیات و عوارض ارزش افزوده/عدم وجود سوءعملکرد در پیمان‌های سنوات گذشته/عدم ممنوع‌المعامله بودن در سطح کلیه شرکت‌ها (در صورت قرار داشتن در لیست شرکت‌های ممنوع‌المعامله، سپرده شرکت در مناقصه به نفع مناقصه گزار ضبط خواهد گردید)/ احراز امتیاز قابل قبول بر اساس معیارهای ارزیابی توانمندی بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی (HSE)/ارائه آخرین صورت‌های مالی حسابرسی شده/کلیه مدارک و مستندات مهمور و می‌بایست به تایید مدیرعامل شرکت رسیده باشند./مسئولیت صحت مستندات ارائه‌شده برعهده متقاضی شرکت در مناقصه بوده و در هر مرحله از مناقصه و فرآیند پس از آن جهت عقد قرارداد؛ صحت آنها برای شرکت محرز نگردد مناقصه و قرارداد ابطال و ضمانت‌نامه‌های ارائه‌شده ضبط می‌گردد./تکمیل فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی و الصاق نمودن کلیه مستندات مرتبط در سامانه ستاد/برنده مناقصه مکلف به ارائه اصل یا کپی برابر با اصل مستندات بارگذاری‌شده می‌باشد و در صورت هرگونه تناقض برابر قوانین و مقررات برخورد خواهد شد.
تاریخ چاپ آگهی	نوبت اول آگهی روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۵/۱۷ و نوبت دوم آگهی روز چهارشنبه ۱۴۰۲/۵/۱۸
توضیحات	کلیه مدارک شرایط عمومی در سامانه به همراه فرم‌های ارزیابی کیفی بارگذاری گردد. از بارگذاری مدارک تکراری و غیرمرتبط با موضوع مناقصه در سامانه ستاد خودداری گردد. تمامی صفحات داخل فایل‌های بارگذاری شده در سامانه ستاد پشت سرهم و به ترتیب شماره‌گذاری گردد.

آگهی‌های فوق قابل مشاهده در سایت‌های:
http://Monaghese.niopdc.irhttp://IETS.MPORG.irhttp://Kerman.niopdc.ir

شماره شناسه ۱۵۴۰۶۲۳

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه کرمان

فرهیختگان
صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN
WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline